

به نام خداوند جان و خرد



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
پایان‌نامه دوره دکتری
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان‌نامه

بازشناسی، تحقیق و ترجمه خدای نامه به روایت ابن مقفع از

نهاية الارب في اخبار الفرس و العرب

استادان راهنما

دکتر سیدحسین فاطمی - دکتر محمدجعفر یاحقی

استاد مشاور:

دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی

نگارش:

رقیه شببانی فر

۱۳۹۱



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
فرم چکیده به زبان فارسی

نام خانوادگی دانشجو: شیانی فر	نام: رقیه
استادان راهنما: دکتر سیدحسین فاطمی - دکتر محمدجعفر یاحقی	
استاد مشاور: دکتر مه دخت پورخالقی چترودی	
رشته: زبان و ادبیات فارسی	مقطع: دکتری
تاریخ دفاع: -	تعداد صفحات: ۳۰۰
عنوان رساله: بازشناسی، تحقیق و ترجمه <i>خدای نامه</i> به روایت ابن مقفع در <i>نهایة الارب فی اخبار الفرس و العرب</i> کلیدواژه: <i>خدای نامه</i> ، ابن مقفع، <i>نهایة الارب</i> ، حماسه	

چکیده

این رساله به «بازشناسی، تحقیق و ترجمه *خدای نامه* به روایت ابن مقفع از کتاب *نهایة الارب فی اخبار الفرس و العرب*» می پردازد. *نهایة الارب* کتابی مجهول المؤلف در موضوع تاریخ اساطیری و داستانی ایران باستان است. در این کتاب بسیاری از روایت های مربوط به تاریخ ایران با عبارت «قال ابن المقفع» آمده است که منبع بسیار مهم و باارزشی در شناخت *سیرالملوک* یعنی ترجمه *خدای نامه* دوران ساسانی است. بنابراین پس از شناخت و ترسیم ساختار موضوعی کتاب، نمایی کلی از *سیرالملوک* ابن مقفع بازشناسی و ترجمه شده است. در این بازشناسی تنها به روایت های ابن مقفع پرداخته شده و در ترجمه وفاداری به متن مورد نظر بوده است. دستاورد این پژوهش را می توان دستیابی به متن عربی و ترجمه فارسی *خدای نامه* به روایت ابن مقفع به طور مستقل دانست؛ بخش هایی که از پادشاهی گشتاسپ تا پایان پادشاهی خسرو پرویز را دربرمی گیرد.

فهرست

۲	چکیده
۳	فهرست
۶	پیش‌گفتار
۶	مسأله مورد پژوهش
۷	پیشینه پژوهش
۷	- تصحیح نهاییه الارب
۷	- ترجمه‌های نهاییه الارب
۱۱	- پژوهش‌های پیرامون نهاییه الارب
۱۴	پرسش‌های پژوهش
۱۴	فرضیه‌های پژوهش
۱۵	روش پژوهش
۱۵	دستاورد پژوهش
۱۷	مقدمه: از نهاییه الارب تا خدای‌نامه
۱۸	نهاییه الارب فی اخبار الفرس و العرب
۲۲	نمودار ساختار موضوعی نهاییه الارب براساس روایت راویان مشهور
۲۹	خدای‌نامه
۳۳	پیشینه خدای‌نامه‌نویسی
۳۶	خدای‌نامه‌نویسی
۴۱	انتقال خدای‌نامه از دوران ساسانی به دوران اسلامی
۴۳	متون عربی در پیوند با خدای‌نامه
۴۷	متن: ترجمه خدای‌نامه به روایت ابن مقفع از نهاییه الارب

- ۴۸ بازگشت سخن به ذکر پادشاهان ایران (داستان رستم و اسفندیار)
- ۵۲ بازگشت سخن به ذکر پادشاهان ایران (پادشاهی بهمن)
- ۵۳ بازگشت سخن به ذکر پادشاهان ایران (پادشاهی همای)
- ۵۴ بازگشت سخن به ذکر پادشاهان ایران (پادشاهی دارا)
- ۵۴ خبر داستان اسکندر و شگفتی‌ها و کارهای او
- ۷۰ حرکت اسکندر به سوی هند و نبرد با فور و کشتن او
- ۷۳ خبر حرکت اسکندر به سوی مغرب الشمس و نبرد با قندافه ملکه اندلس
- ۷۴ بازگشت سخن به اسکندر و قندافه ملکه افریقا و اندلس
- ۸۲ داستان حرکت اسکندر به سوی برهمنان
- ۸۸ سبب به وجود آمدن ملوک الطوائف
- ۹۱ اخبار ملوک الطوائف پس از اسکندر
- ۹۳ داستان فرخان پسر آفرین پسر اشه پسر شاپور پسر اردوان
- ۱۰۷ داستان اردشیر بابکان کشنده ملوک الطوائف ایرانی
- ۱۱۵ داستان ابرسام وزیر اردشیر
- ۱۱۷ فرستادن عیسی پسر مریم یکی از حواریون خود را به سوی اردشیر و ...
- ۱۱۹ بیان پایه‌های پادشاهی و خدمت به پادشاه که اردشیر بنیان نهاد
- ۱۲۰ تدبیر اردشیر در گزینش دبیران
- ۱۲۱ تدبیر اردشیر در گزینش موبدان
- ۱۲۱ بازگشت سخن به ذکر پادشاهان ایران (پادشاهی شاپور پسر اردشیر)
- ۱۲۵ پادشاهی هرمز پسر شاپور پسر اردشیر بابکان
- ۱۲۸ پادشاهی بهرام پسر هرمز و بهرام پسر بهرام
- ۱۳۰ گور بهرام پسر بهرام
- ۱۳۰ پادشاهی نرسی پسر بهرام
- ۱۳۱ پادشاهی هرمز پسر نرسی
- ۱۳۱ پادشاهی شاپور پسر شاپور
- ۱۳۲ پادشاهی بهرام پسر شاپور پسر شاپور ذوالاکتاف
- ۱۳۳ پادشاهی یزدگرد پسر شاپور ذوالاکتاف و تولد بهرام گور پسر یزدگرد

۱۳۴	داستان تولد بهرام گور
۱۳۸	داستان مرگ یزدگرد و پادشاهی پسرش بهرام گور
۱۴۳	خطبه بهرام گور پسر یزدگرد هنگامی که به پادشاهی رسید
۱۵۰	به داستان یزدگرد پسر بهرام بازگشتیم
۱۵۰	پادشاهی پیروز پسر یزدگرد پسر بهرام گور
۱۵۴	داستان شاه‌بلش پسر پیروز و ماجرای او با دختر پادشاه هند
۱۷۰	پادشاهی قباد پسر پیروز
۱۸۱	داستان نبرد خسرو انوشیروان در سرزمین شام و چیرگی بر آن‌جا
۱۸۳	داستان انوش‌زاد پسر خسرو انوشیروان و نافرمانی او از پدرش
۱۸۶	بیان اندازه‌گیری زمین و خراج‌گزاری بر آن
۱۸۹	شرح تدبیر آنان درباره سپاهیان
۱۹۳	بازگشت سخن به داستان خسرو انوشیروان
۲۰۴	پادشاهی هرمز پسر خسرو انوشیروان
۲۰۸	آغاز داستان بهرام چوبین
۲۱۷	خروج پسر شاهنشاه برای خونخواهی پدرش
۲۳۳	شرح حال خسرو پرویز پس از جدایی از بندویه و رفتن به روم
۲۴۶	خبر آمدن بهرام به نزد خاقان پادشاه ترک
۲۵۵	شرح کشته‌شدن بندویه دایی خسرو و شورش بسطام بر خسرو
۲۶۵	داستان پارس و روم و نبردهای میان آنان
۲۶۶	سبب کشته‌شدن خسرو پرویز پسر هرمزد
۲۷۰	دریافت
۲۷۲	کتاب‌نامه
۲۸۱	نمایه
۲۹۹	چکیده انگلیسی

پیش‌گفتار

«خدای‌نامه» نام اثری است به زبان پهلوی (فارسی میانه)^(۱) که متأسفانه هیچ نوشته‌ای از آن به زبان اصلی باقی نمانده است. هرچند آثار بسیاری به زبان عربی در دست است، تنها در متن پهلوی بندهش و برخی از متون عربی و فارسی به *خدای‌نامه* اشاره شده است. دستیابی به متن *خدای‌نامه* ساسانی آرزویی دور و دراز است که تا امروز تحقق نیافته، اما خوشبختانه پاره‌های پراکنده‌ای از ترجمه عربی این کتاب در برخی متون باقی مانده است که بازشناسی *خدای‌نامه* را هرچند جسته و گریخته و ناقص امکان‌پذیر می‌سازد. یکی از این متون عربی که پیوند گسترده‌ای با *خدای‌نامه* دارد و بسیاری از بخش‌های آن را ترجمه عربی *خدای‌نامه* به روایت ابن مقفع تشکیل داده، کتاب *نهایة الارب فی اخبار الفرس و العرب* است که رؤیای بازشناسی *خدای‌نامه* را تا اندازه‌ای تحقق می‌بخشد. محمدتقی دانش‌پژوه با تصحیح این کتاب نخستین نیاز متن‌شناسی یعنی تصحیح آن را انجام داد. نیاز دیگر متن پس از تصحیح، ترجمه بخش‌های مرتبط با روایت ابن مقفع است که موضوع این رساله را تشکیل می‌دهد. اهمیت موضوع در آن است که برای شناخت *خدای‌نامه* به‌عنوان یکی از متون ازدست‌رفته دوران ساسانی که بخش‌هایی از آن به زبان عربی در برخی متون باقی مانده، نیاز به پژوهشی موردی و خاص در یکایک متون عربی وجود داشت. از آن‌جا که چنین پژوهشی درباره *خدای‌نامه* تاکنون صورت نگرفته است، بازشناسی این متن به روایت ابن مقفع و ترجمه آن برای پژوهشگران ادبیات ایران ضرورتی انکارناپذیر است.

مسأله مورد پژوهش

مسأله این پژوهش «بازشناسی، تحقیق و ترجمه *خدای‌نامه* به روایت ابن مقفع از کتاب *نهایة الارب فی اخبار الفرس و العرب*» است. این رساله تلاش می‌کند پس از معرفی اجمالی *نهایة الارب* و پیوند آن با *خدای‌نامه*

دوران ساسانی و پیشینه‌های خدای نام‌نویسی، قطعات پراکنده خدای نامه را که با نام ابن مقفّع فراهم آمده‌است بازشناسی و پس از آن ترجمه کند و در پایان مجموعه باقی مانده از این کتاب را به زبان فارسی ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

- تصحیح نهایی الارب

مهمترین نیاز در بررسی یک متن تصحیح آن است. متن کامل عربی نهایی الارب در سال ۱۳۷۵ به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه در ۴۷۳ صفحه به چاپ رسیده‌است. وی در تصحیح خود از میکروفیلم‌های نسخه‌های خطی موزه بریتانیا (موجود در دانشگاه تهران) استفاده کرده‌است. ناشر کتاب یعنی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی پیش از شروع متن اصلی یک پیش‌گفتار فارسی و یک مقدمه عربی در معرفی کتاب نوشته است. متأسفانه متن اصلی غلط‌های چاپی بسیاری دارد که خواندن و ترجمه متن را دشوار ساخته‌است^(۲). به‌عنوان مثال تحریف و تصحیف واژه‌ها، فاصله‌افتادن میان حروف یک واژه یا عبارت که سبب شده یک واژه به اشتباه دو واژه خوانده شود یا بخشی از اجزای یک واژه در کنار واژه بعد قرار گرفته و واژه‌ای دیگر با معنایی متفاوت به‌وجود آورده است. علاوه بر این وجود نشانه‌های نگارشی نابجا همچون نقطه در میانه جمله و یا ویرگول در پایان آن، استفاده از نشانه‌های پرسش و دو نقطه بدون نیاز و... نیز ترجمه متن را دشوار ساخته‌است.

- ترجمه‌های نهایی الارب

ضروری‌ترین نیاز پس از تصحیح یک متن ترجمه آن است. متن نهایی الارب قرن‌ها پس از تألیف مورد توجه مترجمان قرار گرفته و دو بار ترجمه شده‌است:

(۱) ترجمه کهن این کتاب از مترجمی ناشناخته به سال ۷۸۹ قمری با عنوان تجارب الامم فی اخبار ملوک العرب و العجم که توسط رضا انزابی‌نژاد و یحیی کلانتری به سال ۱۳۷۳ تصحیح و چاپ شده‌است. مقدمه تجارب الامم (ص ۲۹-۳۵) با نثری مسجع و مزین به آیات و اشعار بسیار در توحید خداوند، نعت پیامبر و ستایش ممدوح، نحوه آشنایی مترجم با متن عربی، اشاره‌ای کوتاه به مقدمه آن و نحوه ترجمه کتاب نگاشته شده‌است. خطیبی (۱۳۷۵: ۱۴۷-۱۴۹) در مقاله‌ای به نقد و بررسی نسخه‌های باقی مانده از این کتاب، مقدمه مصححان و نیز تاریخ کتابت و ترجمه آن پرداخته‌است.

نکته مهمی که در مقایسه تجارب الامم با نهایی الارب می‌توان به آن اشاره کرد، تفاوت‌های بسیاری است که میان روایت‌های این دو کتاب وجود دارد که آن‌ها را می‌توان به گونه زیر دسته‌بندی کرد^(۳):

- اختلاف در جزئیات که مربوط به نام اشخاص، مکان‌ها و ... است.

- در ترجمه فارسی بخش‌هایی آمده که در *نهایه الارب* وجود ندارد. این موارد که مربوط به بخش‌های آغازین کتاب است شامل روایت‌هایی است گاه مفصل درباره آرش کمانگیر (ص ۹۵)، کيقباد، کیکاوس، سیاوش و کيخسرو (ص ۹۶-۹۹) و نیز لهراسب و گشتاسب (ص ۱۲۶-۱۳۱) که با روایت‌های سامی درآمیخته است^(۴).
- متن *تجارب الامم* در بسیاری موارد خلاصه‌تر از *نهایه الارب* است. به عنوان مثال بیشتر خطبه‌ها، اندرزها و نامه‌های موجود در متن عربی در ترجمه فارسی نیامده است. داستان فرخان پسر آفرین (ص ۱۵۹-۱۷۱) که در متن عربی دوازده صفحه است در ترجمه فارسی تنها در دو صفحه خلاصه شده است. درباره سرگذشت بندویه و بسطام و داستان خسرو پرویز و زنان او نیز هیچ مطلبی در *تجارب الامم* وجود ندارد درحالی که در *نهایه الارب* هشت صفحه (ص ۳۹۰-۳۹۸) به این موضوعات اختصاص یافته است.
- افزوده‌های عجیب مترجم در متن فارسی که در اصل عربی وجود ندارد. مثلاً آوردن شعری از متنی در میان سخنان بزرگمهر (ص ۳۰۵)، اشاره به عیدین؛ عید قربان و فطر در پادشاهی یزدگرد بزه‌گر (ص ۲۲۴) و یا استفاده از آیه قرآن در فتح‌نامه بهرام گور (ص ۲۳۵).
- این مقایسه گویای آن است که متن فارسی در بسیاری از موارد با متن عربی تفاوت دارد. این مسأله می‌تواند دو دلیل داشته باشد: نخست افزودن و کاستن از سوی مترجم کتاب و دیگر اختلاف‌های احتمالی میان نسخه اساس مترجم و نسخه‌های موجود *نهایه الارب*؛ از این رو برای تحقیق در مورد *نهایه الارب* نمی‌توان به ترجمه کهن آن اعتماد کرد؛ زیرا این ترجمه دقیق و کامل نیست و ناهماهنگی‌ها و نارسایی‌های بسیار دارد. روی هم رفته باید گفت *تجارب الامم* فارسی ترجمه و برداشتی آزاد از *نهایه الارب* عربی است.
- (۲) در سال ۱۹۰۰ ادوارد براون خلاصه‌ای از کتاب را به انگلیسی ترجمه و در مجله انجمن آسیایی به چاپ رساند^(۵). براون در ترجمه انگلیسی خود که با تحقیقات مفصّلی همراه است با بیان برخی موارد در اصالت *نهایه الارب* اظهار تردید می‌کند. این موارد عبارتند از:
 - نثر *نهایه الارب* با نثر عربی قرن دوم هجری متفاوت است.
 - سبک و ساختار کلی *نهایه الارب* با دیگر متون کهن عربی کاملاً اختلاف دارد.
 - در هیچ کتابی به این متن اشاره نشده است.
 - به‌سختی می‌توان پذیرفت که خلیفه اموی عبدالملک مروان^(۶) خود را با افسانه پیشینیان سرگرم سازد.
- حضور ابن قریه (م. ۸۴ق) عامر شعبی (م. ۱۰۳ق) و ابن مقفع (م. ۱۴۲ق) در یک زمان و در دربار عبدالملک امکان‌پذیر نیست. (1900: 200-201).

بخش‌هایی را که براون پس از معرفی کتاب و ارائه نظرات خود (Ibid:195-205) برگزیده و ترجمه کرده‌است عبارتند از:

- داستان رستم و اسفندیار، از بهمن تا اسکندر، از مرگ اسکندر تا روی کار آمدن ساسانیان، افسانه بوداسف، اردشیر بابکان، شاپور اول، هرمزد اول، بهرام سوم، نرسی، هرمزد دوم، شاپور ذوالاکتاف، اردشیر دوم، شاپور سوم، بهرام چهارم، یزدگرد اول، بهرام گور، یزدگرد دوم، هرمزد سوم، پیروز، بلاش، قباد اول، خسرو انوشیروان، هرمزد چهارم (داستان بهرام چوبین)، خسرو پرویز، شیرویه، برافتادن خاندان ساسانی (Ibid: 206-258). البته براون با آگاهی از این‌که مؤلف *نهایة الارب* در ذکر اخبار پادشاهان ایران از منابع دیگری جز *سیرالملوک* نیز استفاده کرده‌است (Ibid:195-196)، در ترجمه خود نمایی کلی از تاریخ ایران را برپایه روایت همه روایان *نهایة الارب* معرفی کرده و توجه خاصی به ابن مقفع و *سیرالملوک* وی نداشته‌است. با این حال براون معتقد است که تا حدی می‌توان از طریق *نهایة الارب* به خطوط کلی مطالب *سیرالملوک* ابن مقفع به‌خصوص در دوره ساسانی دست یافت.

۳) علاوه بر این دو کار، خرده‌ترجمه‌هایی نیز - گاه در حد چند سطر - از سوی برخی پژوهشگران در کتاب-ها و مقاله‌های مختلف آمده‌است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ابوالفضل خطیبی (۱۳۷۵: ۱۴۰-۱۴۹) در مقاله‌ای با عنوان: «نگاهی به کتاب *نهایة الارب* و ترجمه فارسی قدیم آن» چندین سطر از دو مقدمه کتاب را ترجمه کرده‌است: نمونه کامل ترجمه وی از مقدمه نخست: «اصمعی که بخشایش خدا بر او باد- گوید: هرگاه که هارون الرشید بر سر نشاط می‌بود، به دنبال من کس می‌فرستاد [و من پیش او رفته] سرگذشت مردمان پیشین و احوال روزگاران گذشته را بر او می‌خواندم. شبی به من گفت: اصمعی، آن همه شاهان و شاهزادگان کجا شدند؟ گفتم: ای امیر مؤمنان همگی رفتند... پس یکی از نزدیکان خویش را نزد گنجور خود در بیت الحکمه فرستاد تا کتاب *سیرالملوک* را گرفته بیاورد. آنگاه مرا فرمود که آن را بر او بخوانم.» (همو: ۱۳۷۷: ۱۴۱).

- عنایت‌الله فاتحی‌نژاد (خالقی مطلق - فاتحی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۷-۳۹) در بخش دوم مقاله‌ای با عنوان «داستانی از ادبیات از دست‌رفته پهلوی»^(۷) داستان بلاش و دختر پادشاه هند را از این کتاب ترجمه کرده‌است. مترجم در مقدمه‌ای کوتاه با اشاره به وجود کاستی‌هایی در ترجمه خود، دلیل آن را چنین بیان می‌کند: «متن عربی متأسفانه در بسیاری موارد مغشوش و آکنده از اغلاط است و عبارات گاه چندان تحریف و تصحیف شده‌است که به سختی می‌توان مفهوم آن را دریافت و ترجمه کهن کتاب نیز که مختصرتر از متن اصلی است - جز به ندرت - کمک چندانی نمی‌کند». ترجمه وی چنین آغاز می‌شود:

«پس آنگاه بلاش پسر فیروز بر تخت شاهی نشست که در آن روز بیست ساله بودی. به هنگام تاجگذاری چنین بفرمود که [از این پس] شعار فرمانروایی شکیبایی و مهرورزی باشد و اساس شکیبایی بخشش، و برترین کارها پایداری و زینت بخش دین وفای به عهد است. آنگاه از میان پارسیان خطیبی به پا خاست و سخن چنین آغازید که ای مردمان، ...».

- علیرضا شاپور شهبازی (۱۳۸۹: ۲۶۳-۲۶۴) نیز در کتاب *تاریخ ساسانیان* گاه بخش‌های کوتاهی - چند سطر - از *نهایة الارب* را ترجمه کرده و در توضیحات خود آورده است. به عنوان مثال در این جا بخشی از نامه اردشیر به ملوک الطوائف نقل می‌شود:

«به نام خدای سرور بخشاینده. از اردشیر پاپکان که کس دیگر به ناسزا بر حقّ او اختیار شده بود و میراث پدرانش پایمال گشته بود، که خواستار استحکام دین و سنّت خدای - جلّ جلاله - است و نظر کرده خداوند است... به فرمانداران طوائف».

- جلال خالقی مطلق (۱۳۸۹: ۲/۳۲۰-۳۲۱) داستان رستم و اسفندیار را در *یادداشت‌های شاهنامه* به گونه‌ای کوتاه و خلاصه ترجمه کرده است. نمونه‌ای از ترجمه او در زیر می‌آید:

«عبدالله پسر مقفّع سبب جنگ رستم و اسفندیار را از کتاب‌های ایرانیان چنین گزارش می‌کند: چون گشتاسب (در اصل همه جا بُشتاسف) پسر بخت نصر به پادشاهی رسید، زردشت به نزد او رفت و او را به دین مجوس فراخواند. پادشاه و مردم کشورش بدو گرویدند...».

- پژوهش‌ها درباره نهایة الارب

برای معرفی و بررسی ارزش و اصالت این متن پژوهش‌هایی انجام شده است که عبارتند از:

- نخستین بار نولدکه^۱ (۱۳۸۸: ۵۰۴) در کتاب *تاریخ ایرانیان و عربها* آن جا که درباره داستان بهرام چوبین سخن می‌گوید، درباره نهایة الارب چنین نظر می‌دهد: «کتاب عجیب و نسبتاً دغل نهایة الارب فی اخبار ملوک الفرس و العرب ... که اساساً تحریری عمدی از کتاب دینوری است، اما در همین قسمت داستان بهرام متنی کاملتر از متن دینوری در دست داشته است».

- روزنتال^۲ (۱۳۶۵: ۷۲/۱) این کتاب را «داستان تاریخی مجهول المؤلف اعراب جاهلی» می‌نامد که مقدمه آن به اشتباه به دانشمندان قدیمی همانند اصمعی نسبت داده شده است.

^۱ - Nöldke

^۲ - Rozental

- براون^۱ (201-207: 1900) در ترجمه خود با آوردن ابهاماتی درباره سبک و ساختار کلی کتاب و نیز ارتباط میان ابن مقفع، عبدالملک، ایوب بن قریه و عامر شعبی درباره اصالت این کتاب اظهار تردید می‌کند، اما معتقد است به کمک این کتاب می‌توان تا اندازه‌ای دانش خود را درباره کتاب نیمه‌تاریخی و نیمه‌افسانه‌ای *خوتای‌نامک* تکمیل کرد؛ زیرا *سیرالملوک* که یکی از روایات عربی *خوتای‌نامک* است، مهمترین یا یگانه مأخذ برای آن بخش‌های *نهایه الارب* است که در آن درباره تاریخ ساسانیان سخن می‌رود.

- گریناسکی^۲ در دو مقاله در سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۹ تاریخ انتقال کتاب *خدای‌نامه* تا تبدیل آن به *نهایه الارب* را بررسی کرده‌است. بنابر نظریات وی در نیمه اول قرن سوم کتابی به نام *سیرالملوک* براساس کتاب *سیر ملوک العجم* تألیف شد که مجموعه‌ای از تاریخ ایران را دربر داشت و شعوبیه در شکل‌گیری این کتاب نقش مهمی داشتند. پس از آن با توجه به تاریخ طبری تغییراتی در این کتاب صورت گرفت و با نام جدید *نهایه الارب فی اخبار الفرس و العرب* شناخته‌شد. در قرن هفتم هجری کتاب با عنوان *تجارب الامم فی اخبار ملوک العرب و العجم* به فارسی ترجمه و در برخی دست‌نوشته‌های متأخر با عنوان «*سیرالملوک المسمی بنهایه الارب فی اخبار الفرس و العرب*» شناخته‌شد (نقل از فوشه کور، ۱۳۷۷: ۶۲۴-۶۲۵).

- کریستن‌سن^۳ (۱۳۷۶: ۱۱۳) نیز بر آن است که «دینوری از راه نسخه مستقلی از *خودای‌نامک* استفاده کرده- است و مندرجات *نهایه الارب* همان است که دینوری آورده با قدری تفصیل و این از دو حال خارج نیست: یا صاحب *نهایه الارب* منبع اصلی خود را کتاب دینوری قرار داده بوده‌است یا کتاب او و کتاب دینوری هر دو مأخوذ از منبع مشترکی بوده‌اند». با وجود این وی در کتاب دیگر خود؛ *داستان بهرام چوبین* ده‌ها بار از *نهایه الارب* به‌عنوان منبعی مستقل در کنار دیگر کتاب‌های معتبر تاریخی استفاده می‌کند.

- کولسنیکف^۴ (۱۳۸۹: ۷۰-۷۱) با بررسی پژوهش براون اقتباس مستقیم از *اخبار الطوال* دینوری را نمی‌پذیرد و احتمال می‌دهد که هر دو کتاب دارای مأخذی مشترک باشند. وی با پذیرش *نهایه الارب* به عنوان مأخذی مستقل مربوط به سده یازدهم میلادی چنین نظر می‌دهد: «در بسیاری موارد داستان‌هایی به *نهایه* وارد شده‌اند که ما از سایر منابع بر آنها آگاه هستیم و این منابع تنها آثار طبری، حمزه اصفهانی، *مجمل التواریخ*، *عیون الاخبار* ابن قتیبه، کتاب *جاحظ و سیاست‌نامه* نیست».

¹-Browne

²- Grinaschi

³-Christensen

⁴-Kolesnikov

- کلیما^۱ (۱۳۷۱: ۷۶) نیز در کتاب *تاریخچه مکتب مزدک* بارها از *نهایه الارب* به عنوان منبعی مستقل در کنار دیگر کتاب‌های تاریخ همچون *تاریخ سنی ملوک*، *تاریخ یعقوبی*، *تاریخ طبری* و... بهره می‌برد. وی همچنین به پژوهش گابریلی^۲ اشاره و آن را تأیید می‌کند: «بنابر قول گابریلی، نویسنده *نهایه الارب فی اخبار ملوک الفرس و العرب* کتاب خود را به نیت تلفیق یکی از آثار ابن مقفع با آثار دو نویسنده دیگر که در عهد عبدالملک می‌زیسته‌اند، تألیف کرده‌است... این گفته گابریلی غیرممکن نیست؛ زیرا علاقه اعراب به گذشته و تمدن ایران و تألیفات زبان فارسی از قبل از پایان قرن هفتم میلادی آغاز شده‌بود».
- مشکور (۱۳۶۷: ۲۱) نیز در *مقدمه تاریخ سیاسی ساسانیان* درباره این کتاب می‌گوید: «کتاب *نهایه الارب فی اخبار ملوک الفرس و العرب* ممکن است اقتباس از کتبی باشد که در بین آن‌ها کتاب‌های اصمعی هم وجود داشته‌باشد. گمان می‌رود آن را کس دیگری گردآورده و مقدمه آن را به نام اصمعی نوشته یا آن را از کتابی از کتب او گرفته یا تکه‌هایی از جمله مصنفات او را در آن جا آورده‌است».
- علی‌اشرف صادقی (۱۳۵۷: ۱۰۶) در کتاب *تکوین زبان فارسی* با اشاره به عبارات و جمله‌های فارسی به - کاررفته در *نهایه الارب*، آن را «مأخذی معتبر» می‌خواند.
- انزابی‌نژاد (۱۳۷۳: ۱۶-۱۷) در *مقدمه تجارب‌الامم* پس از آوردن نظرات پژوهشگران ایرانی و خارجی با مقایسه عبارتی در متن عربی و ترجمه فارسی آن، این کتاب را یکی از منابع مستقل تاریخ ملی ایران به‌شمار آورده، هرگونه تردید در اصالت و دیرینگی کتاب را کنار می‌زند و درستی انتساب آن را به قرن یکم هجری و روزگار عبدالملک تأیید می‌کند.
- ابوالفضل خطیبی در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به *نهایه الارب* و ترجمه فارسی قدیم آن» این دو کتاب را به تفصیل معرفی کرده (۱۳۷۵: ۱۴۰-۱۴۹) و بار دیگر در مقاله «سرگذشت *سیرالملوک ابن مقفع*» به این دریافت می‌رسد: از آن‌جا که بخش اعظم و خطوط اصلی کتاب *سیرالملوک ابن مقفع* را می‌توان در کتاب *نهایه الارب* بازجست و نیز به سبب اشتها نام ابن مقفع و *سیرالملوک وی*، *نهایه الارب* با عنوان *سیرالملوک* در نزد مورخان شناخته می‌شده‌است. مترجمان *تفسیر طبری* و مؤلف *مجموع التواریخ* از جمله این تاریخ‌نگاران هستند. به عقیده وی «نویسنده گمنام *نهایه الارب* آن را به نیت تلفیق *سیرالملوک ابن مقفع* در تاریخ پادشاهان ایران و روایات راویان عرب از جمله عامر شعبی و ابن قریه درباره تاریخ پادشاهان و پیامبران بنی اسرائیل و دیگر شاهان یمن و حمیر و جز آن در زمانی که بر ما پوشیده‌است، تألیف کرده‌است» (۱۳۷۹: ۱۶۹).

^۱-Klima

^۲-Gabrieli

- فاتحی نژاد (۱۳۷۹: ۲۷۰) نیز نشر و شیوه نگارش این کتاب را متفاوت از دیگر کتاب‌های اصمعی می‌داند. از نظر وی سبک و ساختار کلی متن *نهایه الارب* با آثار کهن عربی به‌ویژه آثار سده‌های دوم و سوم قمری کاملاً ناهمگون است و در هیچ‌یک از منابع کهن که آثار اصمعی را برشمرده‌اند نامی از این کتاب نیامده‌است، اما می‌توان احتمال داد که *نهایه الارب* اقتباس از متون مختلفی است که یکی از آن‌ها متعلق به اصمعی بوده‌است. وی اهمیت این کتاب را از آن جهت می‌داند که در بخش مربوط به پادشاهان ایران از *سیرالملوک* ابن مقفع روایات بسیاری نقل شده و از طریق آن می‌توان به ترجمه ارزشمند ابن مقفع از *خدای‌نامه* دوره ساسانی دست یافت.

- خالقی مطلق (۱۳۸۶: ۳۶) بر آن است که بی‌مهری بی‌دلیل نولدکه و روزنتال به کتاب *نهایه الارب* - به دلیل اهمیتی که برای تاریخ طبری می‌شناختند - در گمنام ماندن این کتاب بی‌تأثیر نبوده‌است. وی با اشاره به عبارتهای «قال عبدالله بن مقفع»، معتقد است: «این کتاب در بخش‌های ایرانی خود از اعتبار بسیار مهمی برخوردار است تا آن‌جا که ... اگر ما روایات سامی این کتاب را از آن بیرون کنیم و روایات ایرانی را با برابری آن در *اخبار الطوال* بسنجیم و برخی پیرایش‌ها بویژه در نویسش نام‌ها بنماییم، بخش مهمی از کتاب از دست رفته *سیرالملوک* دادویه به‌دست خواهد آمد» (۱۳۸۹: ۳۲۲/۲).

- شهبازی (۱۳۸۹: ۸۶-۸۷) با بررسی و ردّ دلایل انزایی نژاد درباره اصلت این کتاب چنین اظهار نظر می‌کند: «کتاب مجهول *نهایه الارب فی اخبار ملوک الفرس و العرب* از منابع بسیاری از جمله دینوری استفاده کرده‌است و با آنکه مدعی است آن را براساس *سیرالملوک* ابن مقفع نوشته، ظاهراً از سده چهارم - پنجم قدیم‌تر نیست. مطالب آن در مورد اسکندر و تاریخ حیره و یمن بسیار مفصل اما تا اندازه‌ای درهم و برهم است و استفاده از آن دقت زیاد لازم دارد».

پس از معرفی پیشینه پژوهش، نخستین ضرورت در پرداختن به مسأله مورد پژوهش، بازشناسی و ترجمه بخش‌های مختلف *خدای‌نامه* از زبان عربی به فارسی است تا زمینه تحقیق فراهم گردد. پس از معرفی *نهایه الارب* و آشنایی با مسأله، برای بررسی آن پرسش‌ها و فرضیه‌هایی مطرح شده‌است که این رساله در پی پاسخ‌گویی به آن‌هاست.

پرسش‌های پژوهش

۱. مؤلف یا مؤلفین *نهایه الارب* چه کسانی هستند؟
۲. *نهایه الارب* در چه زمانی نوشته شده‌است؟
۳. *نهایه الارب* در روند تاریخ اساطیری و حماسه‌های ملی ایران چه جایگاهی دارد؟

۴. *نهایه الارب* در بازشناسی ادبیات دوره ساسانی به ویژه *خدای نامه* چه نقشی دارد؟

۵. دلیل تفاوت مضامین روایت‌های *خدای نامه* در *نهایه الارب* با *شاهنامه* چیست؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. *نهایه الارب* توسط چند نفر نوشته شده است: ابن قریه، عامر شعبی، ابن مقفع، اصمعی و ابوالبختری که هرکدام در دوره‌ای در تدوین بخش‌هایی از این کتاب نقش داشته‌اند.
۲. این کتاب در سه مرحله تدوین شده است: سال ۷۵ هجری توسط ابن قریه و عامر شعبی، قبل از سال ۱۴۲ هجری توسط ابن مقفع، بین سالهای ۱۷۰-۱۹۳ هجری توسط اصمعی و ابوالبختری.
۳. *نهایه الارب*، حلقه پیوند *خدای نامه* دوره ساسانی و *شاهنامه* در دوره اسلامی است.
۴. با توجه به این کتاب می‌توان *خدای نامه* به روایت ابن مقفع را بازشناسی و بازسازی کرد.
۵. به نظر می‌رسد که دست کم بخش‌هایی از این کتاب، نمونه‌ای از روایت دینی *خدای نامه* در برابر روایت دهقانی آن است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این رساله توصیفی و کتاب‌محور است؛ به این معنی که *نهایه الارب* به عنوان متن بنیادی پژوهش انتخاب شده و اساس کار قرار گرفته است. در این روش نخست به معرفی و شناخت ساختار موضوعی کتاب پرداخته شده و پس از تقسیم‌بندی کتاب با استفاده از روایت‌های افراد شناخته شده، روایت‌هایی که با نام ابن مقفع آمده، بازشناسی شده است. هرچند در ساختار موضوعی کتاب روایت‌های دیگری از افراد مشهور یا بی‌نام و نشان درباره ایران وارد شده، اساس کار بازشناسی و ترجمه مطالبی بوده است که منحصرأ با نام ابن مقفع آمده است تا بتوان به *خدای نامه* به روایت وی دست یافت.

در ترجمه این کتاب دو نکته مورد توجه قرار گرفته است:

۱) ترجمه نزدیک به متن باشد

در این شیوه تلاش بر این بوده تا حد امکان از افزودن و کاستن در ترجمه خودداری شود و متن ترجمه قابل تطبیق با متن اصلی باشد. البته این بدان معنا نیست که ترجمه‌ای واژه به واژه صورت گرفته است، بلکه بیانگر آن است که ترجمه‌ای دقیق با حفظ امانت و پایبندی به متن و اصول زبان فارسی ارائه شده است. همچنین از آنجا که *نهایه الارب* متنی تاریخی است از به کار بردن واژگان ادبی نیز دوری شده است.

۲) متن ترجمه شده قابل استناد باشد

مخاطبان این ترجمه پژوهشگران آشنا به ادبیات ایرانی وابسته به *خدای نامه* هستند؛ از این رو ویژگی استنادی متن نخستین نیاز این ترجمه است به گونه‌ای که پژوهشگر تا حد امکان از مراجعه به متن عربی بی‌نیاز باشد و بتواند به راحتی به این ترجمه اعتماد کند.

در مسیر این پژوهش برجسته‌ترین مشکل، متن *نهایه الارب* بود که استفاده از آن نیاز به دقت خاص و صرف وقت بسیار داشت. بازشناسی روایت‌های برگرفته از ابن مقفع و تداخل آن‌ها با روایت‌های دیگران نیز از دیگر مشکلات این متن بود. همچنین وجود پیچیدگی‌های خاص در نثر این کتاب گاه ابهاماتی را به وجود می‌آورد که نیاز به تأمل داشت و ترجمه و تطبیق آن با ساختار زبان فارسی ناسازگار بود. پس از ترجمه، متن اصلی دو کتاب *تجارب الامم و اخبار الطوال* با *نهایه الارب* مقایسه و همسانی‌ها و تفاوت‌ها در پانوشت هر صفحه آورده شده است. دلیل گزینش این دو کتاب رابطه مستقیم آن‌ها با *نهایه الارب* است؛ *تجارب الامم* به عنوان ترجمه فارسی کهن این کتاب و *اخبار الطوال* به عنوان یکی از منابع بنیادی *نهایه الارب* معرفی شده است.

دستاورد پژوهش

دستاورد این پژوهش ارائه طرحی برای بازشناسی *خدای نامه* دوران ساسانی است. باید گفت در یک مطالعه و پژوهش موردی *خدای نامه* به روایت ابن مقفع از کتاب *نهایه الارب* استخراج و ترجمه شده است تا متنی قابل اعتماد و استناد از روایت ابن مقفع - آن گونه که در *نهایه الارب* آمده - ارائه شود.

یادداشت‌ها

- ۱- برای آگاهی از زبان پهلوی، نک: آموزگار- تفضلی، ۱۳۸۲: ۱۲-۶۱.
- ۲- این موارد تاحداً امکان شناسایی شده و در بخش ترجمه در همین رساله به صورت زیرنویس آمده است. البته این مسأله درباره حروف (همچون و، او، لا، ا، لم) بیش از آن است که بتوان در پانوشت آورد. حرف «و» و تشدید در بیشتر موارد در جای خود قرار نگرفته‌اند و در هر صفحه نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود.
- ۳- برای آگاهی کامل از تفاوت‌ها و همسانی‌های این دو کتاب نک: پانوشت‌های مربوط در بخش ترجمه فارسی *نهایه الارب* در همین رساله.
- ۴- خالقی مطلق (۱۳۸۹: ۳۲۲/۲) با اشاره به این که در آغاز روایات سامی هیچ‌گاه نام ابن مقفع نیامده، می‌نویسد: «... از این جا می‌توان گمان برد که درهم‌آمیختن روایات ایرانی و سامی در این کتاب کار ابن مقفع نبوده است، بلکه این کاری است که پس از او انجام گرفته، چنان‌که در بیشتر منابع عربی و فارسی به استثنای *شاهنامه* و *غررالسیر*... نیز دیده می‌شود».
- 5- Browne, E.G, 1900: "Some Account of The Arabic Work entitled *Nihayatu'l-irab fi Akhbari'l- Furs wa'l-Arab*, particularly of that part which treats of the Persian Kings", *JRAS*, London, pp.195-259.
- ۶- عبدالملک بن مروان خلیفه اموی، در سال ۶۵ ق. پس از پدر به خلافت رسید و پس از ۲۱ سال خلافت در سال ۸۶ ق. درگذشت. در دوره وی به دلیل آرامش و رفاه نسبی اصلاحاتی انجام گرفت که نتایج مستقیمی در ادبیات داشت. یکی از مهمترین کارهای وی، اصلاح خط عربی بود که راه را برای پژوهش در علوم اسلامی هموار ساخت. برای آگاهی بیشتر درباره عبدالملک و اصلاحات او، نک: نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۱۴-۲۱۵.
- ۷- بخش نخست این مقاله از خالقی مطلق است.

سپاس‌گزاری

از راهنمایی‌ها، روشنگری‌ها و بزرگواری‌های استادان ارجمندم جناب آقای دکتر سیدحسین فاطمی، جناب آقای دکتر محمدجعفر یاقعی و سرکار خانم دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی که راهنمایی و مشاوره این پایان‌نامه را برعهده داشتند و از نظریات ایشان بهره بردم، صمیمانه سپاسگزارم.

از زحمات پدر و مادر عزیزم قدردانی می‌کنم. از زحمات خواهرم سارا در تایپ این رساله متشکرم و سپاسی ویژه دارم از همسر عزیزم جناب آقای دکتر آرش اکبری مفاخر که راهنمایی‌ها و تلاش‌های بی‌دریغش در گزینش موضوع، معرفی منابع و نوشتن این رساله یاریگر بوده‌است.

رقیه شیبانی فر

آذر ۱۳۹۱

از
نهایة الارب فی اخبار الفرس و العرب
تا
خدای نامه

نهایة الارب فی اخبار الفرس و العرب

ابن مقفّع در سال‌های پیش از ۱۴۲ هجری قمری *حدای‌نامه* را به عربی ترجمه کرده، اما تنها نقل قول‌هایی از او و اثرش که به «سیر الملوک» نام‌بردار شد برجای مانده‌است. مهمترین منبع در شناخت این نقل قول‌ها کتاب *نهایة الارب فی اخبار الفرس و العرب* است که تقریباً نیمی از این کتاب را ترجمه سیرالملوک به روایت ابن مقفّع تشکیل می‌دهد. متن کامل این کتاب را از لحاظ موضوع می‌توان به دو قسمت کلی تقسیم کرد:

(۱) بخش مربوط به تاریخ ایران که راوی آن ابن مقفّع^(۱) است. اگرچه روایت‌های کوچکی درباره ایران از شعبی و دیگران نیز نقل شده و گاه با روایت‌های سامی آمیخته شده‌است.

(۲) بخش مربوط به تاریخ سامی که از آفرینش آدم آغاز شده و تا دوره پادشاهان عرب پیش آمده‌است. راویان این بخش‌ها اصمعی^(۲)، ابوالبختری^(۳)، عامر شعبی^(۴)، ایوب ابن قریه^(۵) و... هستند.

با توجه به همین موضوع‌بندی می‌توان پنداشت که فردی به قصد فراهم آوردن دوره کاملی از تاریخ ایران و عرب با استناد به مهم‌ترین منابع و راویان به گردآوری نوشته‌ها و روایات پرداخته و تاریخی جامع فراهم آورده، اما متأسفانه هیچ نام و نشانی از خود برجای نگذاشته‌است.

کتاب *نهایة الارب* پس از ستایش خداوند با مقدمه‌ای از قول اصمعی (ص ۱-۲) آغاز می‌شود:

اصمعی - که خداوند او را ببخشاید- گوید: هرگاه خلیفه هارون الرشید بر سر نشاط بود کسی را درپی من می‌فرستاد و من سرگذشت مردمان پیشین و قرن‌های گذشته را برایش می‌خواندم. یک شب درحالی که با او سخن می‌گفتم، پرسید: اصمعی! شاهان و شاهزادگان کجا هستند؟ گفتم: ای امیر مؤمنان! به راه مرگ رفتند. هارون دست‌هایش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: ای میراننده پادشاهان! روزی که به آنان می‌پیوندم به من رحم کن! سپس صالح، مسؤول نمازگاهش را فراخواند و به او گفت: به نزد صاحب بیت الحکمه برو و از او بخواه کتاب *سیرالملوک* را بیرون آورده، به تو دهد و آن را پیش من